

## روند توسعه اجتماعی جهان، ۱۹۷۰-۱۹۹۵\*

### چالش‌های توسعه برای قرن جدید<sup>(۱)</sup>\*

نویسنده: ریچارد استس  
مترجم: علی حبیبی\*

#### چکیده

ویژگی مهم وضعیت اجتماعی جهان، وجود تفاوت‌های شدید در توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵، کشورهای پیشرفته اقتصادی در ادامه پیشرفت‌های دهه‌های قبل موفق بودند. در واقع، الگوهای توسعه کاملاً موفق که در بیشتر کشورهای اروپای شمالی و غربی، آمریکای شمالی، استرالیا، زلاند نو، و در برخی از کشورهای آسیای شرقی مشاهده می‌شود، در تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است. شمار بسیاری از کشورهای در حال توسعه در آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی، بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵، منافع اجتماعی چشم‌گیری را به دست آورده‌اند. روند توسعه رخ داده در کشورهای از نظر اجتماعی در حال توسعه (SLDCs) که بیشتر آنها در مناطق در حال توسعه آفریقا، آسیا و دولت‌های باقیمانده از اتحاد جماهیر شوروی سابق قرار دارند، نشان می‌دهد که بیشتر این کشورها با خطر فروغلتیدن در سطوح عمیق‌تر فقر، ناامیدی، و زوال انسانی مواجه هستند. رشد سریع جمعیت، تداوم سطوح بالای مخارج نظامی، ناتوانی‌های اقتصادی مزمن، فقر در حال گسترش، تضادهای اجتماعی در حال عمیق‌تر شدن، ساختارهای تضعیف شده خانواده، و نبود برنامه‌های مکفی رفاه اجتماعی، دلایل اصلی سیر منفی روندهای توسعه برای بیشتر کشورهای فقیر در حال توسعه بوده است.

\* Richard j. Estes. (1998). Trends in World Social Development, 1970-1995. Journal of Developing Societies. Vol. 14.1. pp. 11-39.

\* اعداد تُک داخل دوکمان، به یادداشت‌های پایان مقاله اشاره دارد.

\* کارشناس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین

## مقدمه

ویژگی مهم وضعیت اجتماعی جهان، وجود تفاوت‌های شدید می‌باشد. به رغم پیشرفت‌های اجتماعی شگفت‌انگیز در برخی از کشورها از سال ۱۹۷۰ به بعد (استس، ۱۹۹۵، ۱۹۹۶ الف، ۱۹۹۶ ب، ۱۹۹۷)، تصویر اجتماعی جهان مملو است از جنگ‌های فراوان (پروگان، ۱۹۹۰)، جنگ‌های شهری (بوچر، ۱۹۸۷)، تجاوز گسترده به حقوق انسانی (عفو بین‌الملل، ۱۹۹۷)، دولت‌های فاسد (خانه آزادی، ۱۹۹۷)، عمیق‌تر شدن فقر (یوان.دی.پی، ۱۹۹۷)، و شمار فزاینده پناهندگان سیاسی و اقتصادی (کمیسر عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، ۱۹۹۵). به دلیل نرخ فزاینده مهاجرت شهری، رشد جمعیت به سرعت ادامه دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۷) و چهره فیزیکی جهان به شدت در معرض تخریب قرار گرفته است؛ امروزه، مردم در هر جایی از جهان، در حال دست و پنجه نرم کردن با اثرهای ناشی از تخریب جنگل‌ها، فرسایش خاک و از بین رفتن منابع حیوانی، وقوع سیل و دیگر حوادث طبیعی هستند (مؤسسه منابع جهانی، ۱۹۹۷).

واکنش دولت‌ها به وضعیت اجتماعی فعلی، نشانگر دیدگاهی خوش بینانه نسبت به آینده است. اولویت‌های آنها بیشتر بر موارد زیر تأکید داشته است: (۱) تعادل بیشتر میان توسعه اقتصادی و اجتماعی (سازمان ملل، ۱۹۹۵)؛ (۲) اعتقاد دوباره به مردم و سازمان‌های مردمی برای قرار گرفتن آنها در مرکز فرایند توسعه (سازمان ملل / اسکاپ، ۱۹۹۷)؛ (۳) تنظیم یک نمونه (پارادایم) جدید توسعه که تفاوت در فرهنگ‌ها، سنت‌ها، و تاریخ را بهتر منعکس نماید (استس، ۱۹۹۳؛ بیورلی و شرادن، ۱۹۹۷)؛ (۴) افزایش حمایت از تنوع زیستی شکستنده و منابع طبیعی رو به زوال کره زمین (کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۹۲). همچنین باید توجه دوباره‌ای به نیازهای خاص گروه‌های جمعیتی که طی تاریخ، با کاستی‌هایی مواجه بوده‌اند، صورت گیرد (سازمان ملل، ۱۹۹۰؛ وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۵).

این مقاله، میزان موفقیت دولت‌ها را در دستیابی به دستور کار اجتماعی فراگیر جهان ارزشیابی می‌نماید. به ویژه، نتایج بررسی جامع روندهای توسعه اجتماعی جهان، طی دوره ۲۵ ساله

۱۹۷۰-۱۹۹۵ در این مقاله ارائه شده است. برای انجام این کار، اقدامات زیر انجام خواهد شد:

۱. نتایج حاصل از کاربرد شاخص پیشرفت اجتماعی (ISP) که قبلاً توسط نگارنده برای تحلیل روندهای توسعه جهان در سال‌های بعد از ۱۹۷۰ ابداع شده است، ارائه می‌شود.
۲. موفقیت‌ها و شکست‌های عمده در توسعه اجتماعی جهان طی ۲۵ سال مورد بررسی شناسایی می‌شود.
۳. موفق‌ترین کشورهای جهان در توسعه اجتماعی و نیز کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته مشخص می‌شود.
۴. مقایسه‌ای بین روندهای عمده توسعه اجتماعی در مناطق مهم جغرافیایی - سیاسی جهان صورت می‌گیرد.
۵. نیروهای عمده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که حرکت توسعه بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ و پس از آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند شناسایی شده و به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد.
۶. یک پایه اطلاعاتی ارائه خواهد شد که با استفاده از آن می‌توان تحولات آینده در هر منطقه را ارزشیابی کرد.

## روش شناسایی

مطالعه حاضر، سومین مورد از رشته تحلیل روندهای توسعه اجتماعی جهان است (استس، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸). هدف هر سه مطالعه، عبارت بوده است از: (۱) شناسایی تغییرات اساسی در "کفایت تدارک اجتماعی"<sup>۱-۲</sup> که در سراسر جهان وجود داشته است؛ (۲) ارزیابی پیشرفت ملی و بین‌المللی در ارائه مکفی‌تر نیازهای اساسی و اجتماعی جمعیت در حال رشد جهان.

### شاخص پیشرفت اجتماعی (ISP)

ابزار اصلی مورد استفاده در این مطالعه، شاخص پیشرفت اجتماعی<sup>۲</sup> است که قبلاً به طور گسترده‌ای

توسط نگارنده مورد آزمون قرار گرفته است. شاخص پیشرفت اجتماعی، در شکل کنونی خود، دربرگیرنده ۴۵ شاخص اجتماعی است که به ۱۰ شاخص فرعی تقسیم شده است که عبارتند از: آموزش، وضعیت بهداشت و درمان، وضعیت زنان، فعالیت‌های دفاعی، شرایط اقتصادی، ویژگی‌های جمعیتی، اوضاع جغرافیایی، مشارکت سیاسی، تنوع فرهنگی، و اقدامات رفاهی (جدول ۱). تمام شاخص‌های موجود در شاخص پیشرفت اجتماعی به عنوان شاخص‌های معتبر توسعه اجتماعی شناخته می‌شوند، در واقع، بیشتر شاخص‌های آن رسماً به وسیله دیگر صاحب‌نظران توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است.

#### شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی (WISP)

به دلیل حجم اطلاعات گردآوری شده برای این تحلیل‌ها، در این مقاله، تنها شاخص‌ها و شاخص‌های فرعی وزنی گزارش شده است. وزن آماری شاخص‌ها در مطالعه حاضر، از روش تحلیل عاملی دو مرحله‌ای به دست آمده است که در آن، هر شاخص و شاخص فرعی برای سهم نسبی آن در توضیح واریانس مربوط به تغییرات در پیشرفت اجتماعی در طول زمان تحلیل شده است. سپس گروه‌های مختلف شاخص‌های فرعی استاندارد شده برای ایجاد گروه‌های شاخص‌های فرعی وزنی در شاخص وزنی ترکیبی پیشرفت اجتماعی (WISP) از طریق جمع کردن گروه‌های مختلف شاخص‌های فرعی وزنی به دست آمده است. (۳)

شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی در مقابل سایر معیارهای اندازه‌گیری پیشرفت اجتماعی شاخص پیشرفت اجتماعی با سایر معیارهای اندازه‌گیری توسعه اجتماعی، از نظر تعداد، دامنه، و تناسب شاخص‌های مورد استفاده در ساختن آن متفاوت است. در تمام موارد، شاخص پیشرفت اجتماعی به صورت یک ابزار جامع‌تر برای ارزیابی تغییرات در توسعه اجتماعی در طول زمان نسبت به سایر شاخص‌هایی که نشانگر پیشرفت ملی و بین‌المللی هستند (مانند تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص داخلی، و شاخص توسعه انسانی<sup>۴</sup> (HDI) ساخته شده توسط یوان، دی، پی.) مورد قضاوت

قرار می‌گیرد.

### منابع داده‌ها

بخش عمده اطلاعات مورد استفاده در تحلیل‌ها، از گزارش‌های سالانه ارائه شده توسط کشورها به سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دفتر مطالعات سیاسی سازمان تأمین اجتماعی ایالات متحده، و سایر سازمان‌های بین‌المللی جمع‌آوری داده‌ها به دست آمده است. داده‌های مربوط به شاخص‌های فرعی جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی، از مطالعات صاحب‌نظران مستقل و سازمان‌های جمع‌آوری اطلاعات (از جمله خانه آزادی، عفو بین‌الملل و سایر منابع) به دست آمده است.

### روش انتخاب کشورها

یکصد و شصت کشور ( $N=۱۶۰$ ) برای انجام تحلیل‌ها با استفاده از دو معیار انتخاب شده است: (۱) جمعیت آنها در سال ۱۹۷۰ بیش از یک میلیون نفر باشد؛ (۲) اطلاعات روزآمد، قابل استناد، و جامعی از شاخص اجتماعی آنها در دسترس باشد. کشورهایی که فاقد اطلاعات بوده‌اند یا اطلاعات آنها ناکافی، ناقص، یا به شدت دچار اختلال بوده است، از تحلیل‌ها خارج شده‌اند. با وجود این، هنگامی که امکان برآورد وجود داشته است، این کار برای شاخص‌های فاقد اطلاعات انجام شده است که در آن، این برآوردها، هم امکان‌پذیر و هم مناسب بوده است.

### چهارچوب زمانی

یافته‌های مربوط به شاخص‌ها و شاخص‌های فرعی برای چهار دوره زمانی ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵، هر کدام به صورت جداگانه گزارش شده است. بنابراین، مطالعه حاضر، تحلیل‌های مقطعی از وضعیت توسعه اجتماعی جهان را در طول یک دوره ۲۵ ساله ارائه می‌کند.

## جدول ۱. متغیرهای مورد استفاده در شاخص پیشرفت اجتماعی (ISP) براساس

## شاخص‌های فرعی (N=۴۵)

## ۱. شاخص فرعی آموزش (N=۴)

- نسبت‌های ترکیبی ثبت نام در مدرسه در مقاطع تحصیلی اول و دوم و سوم (+)
- درصد دانش آموزانی که دبستان را طی کرده‌اند در سال ۱۹۹۲ (+)
- درصد هزینه‌های آموزشی بخش عمومی به GNP (+)
- درصد با سواد بزرگسالان (+)

## ۲. شاخص فرعی وضعیت بهداشت و درمان (N=۸)

- امید به زندگی در یک سالگی (+)
- نرخ مرگ و میر نوزادان در هر ۱۰۰۰ تولد (-)
- نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال (-)
- درصد کالری عرضه شده به کل کالری مورد نیاز (+)
- تعداد فیزیکی‌دان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت (-)
- درصد کودکان یک ساله واکسینه شده در مقابل DPT (+)
- درصد کودکان یک ساله واکسینه شده در مقابل فلج اطفال (+)
- درصد جمعیت دارای دسترسی به آب آشامیدنی سالم (+)

## ۳. شاخص فرعی وضعیت زنان (N=۶)

- امید به زندگی زنان به صورت درصدی از امید به زندگی مردان (+)
- باسواد بودن زنان بزرگسال به صورت درصدی از مردان بزرگسال (+)
- رواج روش‌های جلوگیری از بارداری در میان زنان ازدواج کرده (+)
- نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰۰۰۰ نوزاد زنده متولد شده (-)
- ثبت نام زنان در دوره ابتدایی به صورت درصدی از ثبت نام مردان در دوره ابتدایی (+)
- ثبت نام زنان در دوره متوسطه به صورت درصدی از ثبت نام مردان در دوره متوسطه (+)

## ادامه جدول ۱

۴. شاخص فرعی فعالیت‌های دفاعی ( $N = ۱$ )

مخارج نظامی به صورت درصدی از GNP (-)

۵. شاخص فرعی وضعیت اقتصادی ( $N = ۵$ )

- تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه (+)

- درصد رشد واقعی در GDP (+)

- متوسط نرخ تورم سالانه (-)

- نرخ بیکاری (-)

- بدهی خارجی بخش عمومی به صورت درصدی از GNP (-)

۶. شاخص فرعی ویژگی‌های جمعیتی ( $N = ۶$ )

- جمعیت کل (میلیون نفر) (-)

- نرخ خام تولد در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت (-)

- نرخ خام مرگ و میر در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت (-)

- نرخ رشد سالانه جمعیت (-)

- درصد جمعیت در سن ۱۴ سال و پایین‌تر (-)

- درصد جمعیت در سن ۶۵ سال و بالاتر (+)

۷. شاخص فرعی شرایط جغرافیایی ( $N = ۳$ )

- درصد زمین قابل کشت (+)

- متوسط سالانه کشته شدگان ناشی از سوانح در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت (-)

- متوسط سالانه آسیب‌دیدگان ناشی از سوانح در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت (-)

۸. شاخص فرعی آشفستگی‌های اجتماعی ( $N = ۴$ )

- تجاوز به حقوق سیاسی (-)

- تجاوز به آزادی‌های مدنی (-)

- تعداد افراد آواره در داخل و خارج در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت (-)

- تعداد افراد کشته شده در نتیجه درگیری‌های نظامی در هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت (-)

## ادامه جدول ۱

۹. شاخص تنوع فرهنگی ( $N = 3$ )

- سهم بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای نژاد و قومیت مشابه یا یکسان هستند (+)
- سهم بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای اعتقادات مذهبی یکسان هستند (+)
- سهم بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای زبان مادری یکسان هستند (+)

۱۰. شاخص فرعی اقدامات رفاهی ( $N = 5$ )

- اولین قانون ملی در مورد سن - سن پیری، ناتوانی، مرگ (+)
- اولین قانون ملی در مورد سن - بیماری و زایمان (+)
- اولین قانون ملی در مورد سن - آسیب دیدگان حین کار (+)
- اولین قانون ملی در مورد سن - بیکاری (+)
- اولین قانون ملی در مورد سن - پرداخت فوق‌العاده (+)

## سطوح تحلیل‌ها

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه برای سه سطح مختلف تحلیل‌ها گزارش شده است: (۱) روندهای توسعه جهانی؛ (۲) تغییرات در مناطق خاص؛ (۳) روندهای توسعه صورت گرفته در هر یک از ۱۶۰ کشور لحاظ شده در تحلیل‌ها.

## روندهای توسعه اجتماعی جهان

شکل‌های ۱ و ۲، یافته‌های اصلی مطالعه حاضر در مورد شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی (WISP) در تمام ۱۶۰ کشور مورد بررسی را به طور خلاصه نشان می‌دهد. اطلاعات سری زمانی مورد استفاده دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۵ را پوشش داده و عملکرد مقایسه‌ای شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی را برای هفت منطقه اصلی جهان، یعنی آمریکای شمالی، استرالیا و زلاند نو، اروپا، آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، و اتحاد شوروی سابق، نشان می‌دهد.

- توسعه یافته‌ترین مناطق جهان از نظر توسعه اجتماعی، عبارتند از استرالیا و زلاند نو، اروپا، و



آمریکای شمالی (شکل ۱). این مناطق قبلاً نیز در سال ۱۹۷۰ در بهترین رتبه‌بندی شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی قرار داشته‌اند؛ بین سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۰ و ۱۹۸۰-۱۹۹۰ بهبودهای بیشتری در شاخص پیشرفت اجتماعی در این مناطق صورت گرفته است.

- به رغم دستاوردهای قابل توجه در گذشته، بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی در سه ناحیه از نظر اجتماعی بسیار پیشرفته با کاهش رو به رو بوده است. این سه ناحیه، عبارتند از: آمریکای شمالی (۱۴٪-)، اروپا (۹٪-)، و استرالیا و زلاند نو (۸٪-). این کاهش در شاخص به نظر می‌آید که به مشکلات اقتصادی حاد که اغلب کشورهای این مناطق آن را تجربه کرده‌اند، مربوط بوده است. بیشتر این مشکلات قبل از سال ۱۹۹۰ بروز کرده، ولی تا سال ۱۹۹۵ نیز ادامه داشته است. با وجود این، به طور نسبی، تصویر توسعه در کشورهای توسعه یافته آمریکای شمالی (با متوسط WISP برابر با ۷۹ در سال ۱۹۹۵)، استرالیا - زلاند نو (با متوسط WISP برابر با ۸۴ در سال ۱۹۹۵)، و اروپا (با متوسط WISP برابر با ۸۲ در سال ۱۹۹۵) نشانگر تفاوت‌های اندک است. - توسعه نیافته‌ترین مناطق جهان، عبارتند از آفریقا (با  $WISP = ۲۱$  در سال ۱۹۹۵) و آسیا (با  $WISP = ۴۶$  در سال ۱۹۹۵). در تمام دوره ۲۵ ساله مورد بررسی، دستاوردهای کشورهای منطقه آفریقا در مقایسه با سایر مناطق جهان به طور دائمی کمتر بوده است، هر چند بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۵ بهبودهایی نیز در عملکرد WISP رخ داد - که اولین تغییر مثبت WISP از سال ۱۹۷۰ به بعد بود.

- همان گونه که در شکل ۲ نشان داده شده است، در طول ۲۵ سال مورد بررسی، افزایش‌های چشم‌گیری در WISP مناطق آسیا (۲۸/۹٪+)، آمریکای لاتین (۱۱/۲٪+)، و آفریقا (۸/۱٪+) رخ داده است. همچنین در طول این مدت، منافع اجتماعی مهمی نیز در مناطق آمریکای شمالی (۶/۶٪+)، اروپا (۴/۵٪+) و استرالیا - زلاند نو (۳/۶٪+) حاصل آمده است. - منطقه آسیا، به ویژه مناطق جنوبی (۵۶٪+)، غربی (۳۵٪+)، و جنوب شرقی (۲۶٪+)، بیشترین سرعت توسعه را داشته است.

- نکته جالب توجه این که مناطقی که در حال حاضر از پایین‌ترین سرعت توسعه برخوردارند،

همان مناطقی هستند که قبلاً در ردیف مناطق بسیار پیشرفته اجتماعی در جهان بوده‌اند، یعنی: استرالیا - زلاند نو (+۴٪)، اروپا (+۵٪)، و آمریکای شمالی (+۷٪). سرعت نسبی پایین توسعه در این مناطق، نشانگر این است که قبلاً وضعیت اجتماعی پیشرفته‌ای داشته‌اند.

- در سال ۱۹۹۰، وضعیت سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق به سطوح پایین‌تر از سال ۱۹۷۰ سقوط کرد. البته، در حال حاضر اتحاد جماهیر شوروی سابق دیگر وجود خارجی ندارد. دولت‌های بازمانده از اتحاد جماهیر شوروی سابق در این مطالعه در دو زیر گروه توزیع شده‌اند: گروه اول، دولت‌های تازه استقلال یافته (NIS) و گروه دوم، کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (CEE) (جدول ۲). امروزه، اغلب کشورهایی که در این دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند، اتحاد نظامی و اقتصادی خود با یکدیگر را از طریق عضویت در پیمان دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع حفظ کرده‌اند.

- دستاوردهای WISP برای کشورهای تازه سازماندهی شده اروپای شرقی و مرکزی سطح بالایی از توسعه اجتماعی را در ۱۱ کشور این گروه نشان می‌دهد، به طوری که متوسط WISP در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵، به ترتیب، برابر با ۷۰، ۶۹، ۷۴ و ۷۶ بوده است (شکل ۳). در واقع، شاخص WISP برای کشورهای اروپای شرقی و مرکزی برای هر چهار دوره مورد بررسی وضعیت نسبتاً بهتری را در مقایسه با کشورهای پیشرفته دارای اقتصاد بازار در همان دوره‌های زمانی نشان می‌دهد. مقدار WISP در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی به طور چشم‌گیری بزرگ‌تر از آن چیزی است که در گروه ۱۵ کشوری دولت‌های تازه استقلال یافته در تمام دوره‌های زمانی حاصل شده است.

- همچنین خلاصه اطلاعات ارائه شده WISP در جدول ۴، این موضوع را تأیید می‌کند که به رغم وضعیت سیاسی بالقوه در حال انفجار، تغییرات اجتماعی مثبت در بیشتر کشورهای اروپای شرقی و مرکزی بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵ ادامه یافته است (+۳٪).

- با وجود این، رتبه‌بندی WISP برای گروه دولت‌های تازه استقلال یافته، از سال ۱۹۷۰ به بعد، به شدت تمایل به نوسان داشته است، یعنی متوسط شاخص برای گروه از ۶۷ در سال ۱۹۷۰ به ۵۶ در سال ۱۹۸۰، ۶۵ در سال ۱۹۹۰ و ۶۲ در سال ۱۹۹۵ رسیده است.

- در واقع، متوسط شاخص WISP برای کشورهای تازه استقلال یافته بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در حدود ۱۶٪ کاهش یافته، و بار دیگر بین سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵ نیز با ۵٪ کاهش روبه‌رو بوده است. با این حال، بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، تغییرات مثبت شایان توجهی (۱۷٪+) برای کشورهای تازه استقلال یافته رخ داده است. این تغییرات اجتماعی مثبت، به کشورهای تازه استقلال یافته کمک نموده است تا یک معیار بیمه اجتماعی<sup>۱</sup> فراهم نمایند تا بتوانند تا حدودی با تکانه‌های اجتماعی<sup>۲</sup> ناشی از جدایی اقتصادی و سیاسی آنها از اتحاد جماهیر شوروی سابق در دسامبر سال ۱۹۹۱ مقابله نمایند.

- به رغم وضعیت اجتماعی عموماً بهتر در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی نسبت به آنچه در کشورهای تازه استقلال یافته مشاهده می‌شود، تصویر توسعه در سال ۱۹۹۵، در هر دو گروه، کم و بیش مشابه وضعیت توسعه در سال ۱۹۷۰ است. به هم ریختگی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیق که منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق گردید، موجب شد تا تمام دستاوردهای اجتماعی ۲۵ ساله که بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵ در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و کشورهای تازه استقلال یافته حاصل شده بود، از بین برود.

الگوهای قبلی ارائه شده نشان می‌دهد، تفاوت‌های چشم‌گیری در الگوهای توسعه اجتماعی جهان وجود دارد. این تفاوت‌ها بسیار عمیق بوده، و در تمام موارد، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی مردمی که در هر یک از گروه‌های اصلی توسعه اجتماعی ساکن هستند، می‌گذارد. این الگوها همچنین نشانگر درجه بالایی از وابستگی متقابل بین طیف گسترده‌ای از نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد که بر عملکرد توسعه در مناطق مختلف و نیز کل جهان تأثیر می‌گذارند. این عوامل، عبارتند از: (۱) تاریخ اجتماعی حال و گذشته یک منطقه؛ (۲) نوع حکومت؛ (۳) نوع اقتصاد؛ (۴) دسترسی به منابع طبیعی و سایر منابع؛ (۵) سطح و کیفیت سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در توسعه ظرفیت انسانی؛ (۶) کیفیت روابط بین دولت‌ها و وظایف آنها و نیز روابط میان دولت‌های ملی و همسایگان آنها؛ و نیز (۷) تقویت تعهد منطقه‌ای و ملی به آرمان‌ها و هدف‌های توسعه اجتماعی.

جدول ۲. فهرست کشورهای مورد مطالعه براساس قاره و گروه‌بندی توسعه در سال ۱۹۹۵ (N = ۱۶۰)

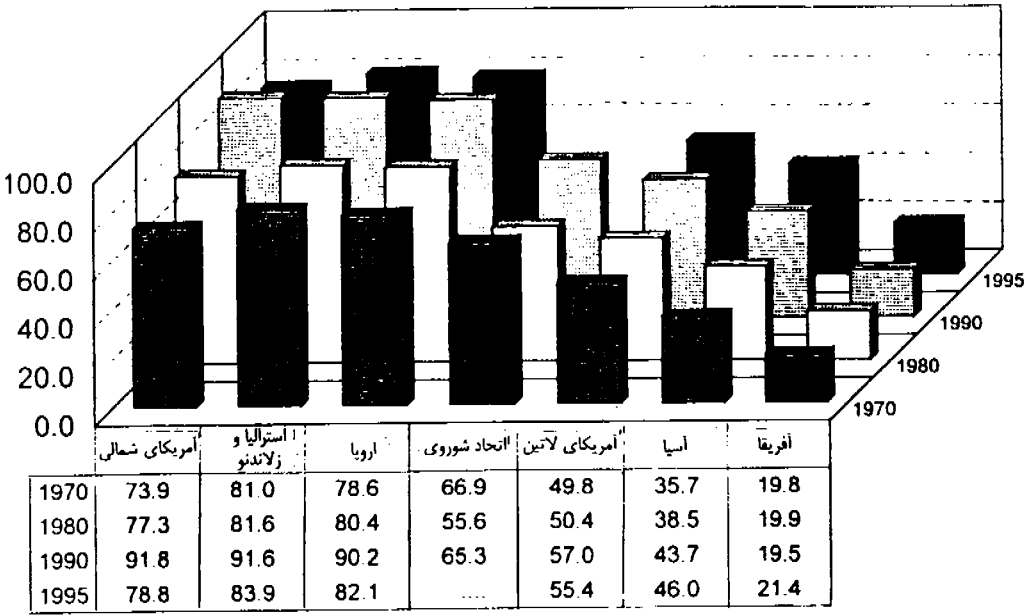
نام منطقه	اقتصادهای توسعه یافته بازار	کشورهای تازه استقلال یافته	کشورهای اروپای شرقی، مرکزی	کشورهای در حال توسعه	کشورهای کمتر توسعه یافته	
افریقا (N = ۳۹)	DME (N = ۲۶) افریقای جنوبی	NIS (N = ۱۵)	CEE (N = ۱۱)	DC (N = ۶۹)	LDC (N = ۳۹)	
	ژاپن، اسرائیل، سنگاپور	ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، قزاقستان، جمهوری قزاقستان، تایوان، ترکمنستان، ازبکستان		بحرین، چین، قبرس، هنگ‌کنگ، هندوستان، اندونزی، عراق، ارژن، جمهوری دموکراتیک خلق کره، جمهوری کره، لبنان، مالزی، مغولستان، عمان، پاکستان، فیلیپین، قطر، عربستان سعودی، سری لانکا، سوریه، تایلند، ترکیه، ویتنام	انگولا، بنین، بوتسوانا، بورکینافاسو، برونزی، جمهوری افریقای مرکزی، چاد، کامبوج، گینه، گینه بیسائو، گینه، لیبیا، ماریش، مراکش، نامیبیا، نیجریه، سنگال، سوازیلند، تونس، زیمبابوه	ماناگاسکار، سالادی، مالی، موریتانی، موزامبیک، نیجر، رواندا، سیرالئون، سومالی، سودان، تانزانیا، توگو، اوگاندا، زیمبابوه، زامبیا
آسیا (N = ۲۵)					افغانستان، بنگلادش، بوتان، کامبوج، جمهوری دموکراتیک خلق لاتوس، میانمار، نپال، چین	

ادامه جدول ۲

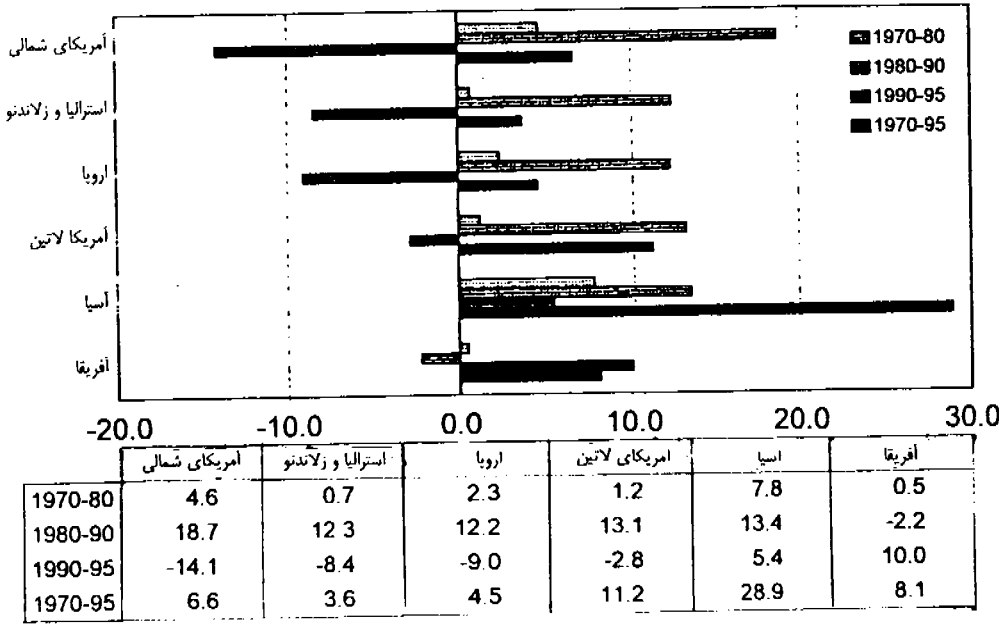
کشورهای کمتر توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	کشورهای اروپای شرقی و مرکزی	کشورهای تازه استقلال یافته	کشورهای توسعه یافته بازار	اقتصادهای توسعه یافته بازار	نام منطقه
LDC (N = ۳۹)	DC (N = ۶۹)	CEE (N = ۱۱)	NIS (N = ۱۵)	DME (N = ۲۶)	امریکای لاتین (N = ۲۳)	
کشورهای کمتر توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	کشورهای اروپای شرقی و مرکزی	کشورهای تازه استقلال یافته	کشورهای توسعه یافته بازار	اقتصادهای توسعه یافته بازار	نام منطقه
هائیتی*	آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دومینیکن، اکوادور، السالوادور، گواتمالا، گویان، هندوراس، جامائیکا، مکزیک، نیکاراگوا، پاناما، پاراگوئه، پرو، سورینام، ترینیداد و توباگو، اروگوئه، ونزوئلا					امریکای شمالی (N=۲)؛ حوزه آقیانوس آرام (N=۳)؛ اروپا (N = ۳۶)
	فiji، گینه، پاپوا					
		آلبانی، بلغارستان، کرواسی، جمهوری چک، مجارستان، مقدونیه، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواکی، اسلوانی، فدراسیون یوگسلاوی		بیلاروس، استونی، لتوی، لیتوانی، مولداوی، قدراسیون روسیه، اوکراین	استرالیا، زلاند نو، اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بریتانیا	

\* کشورهای کمتر توسعه یافته (LDC) مشخصه است.

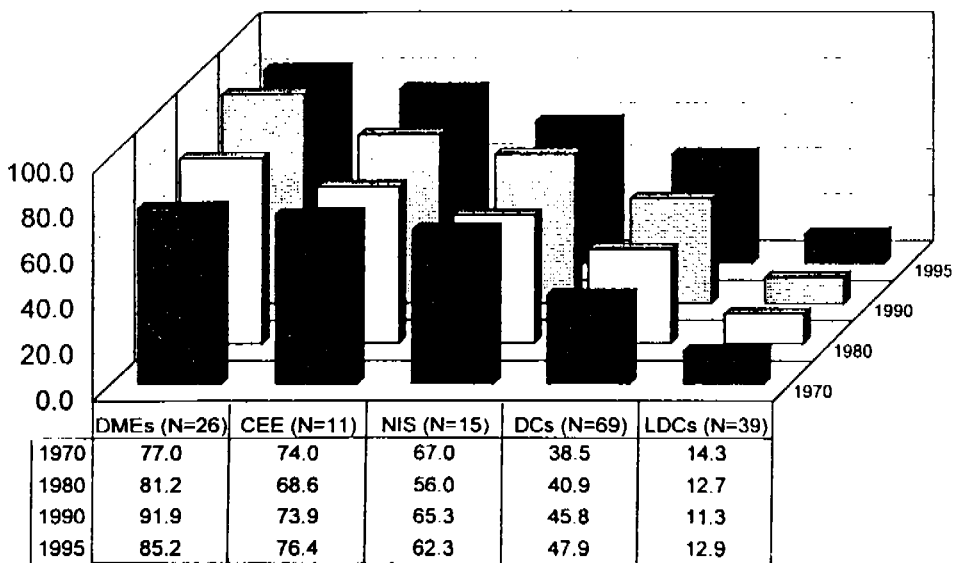
شکل ۱. متوسط شاخص WISP در مناطق مختلف جهان، طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۰



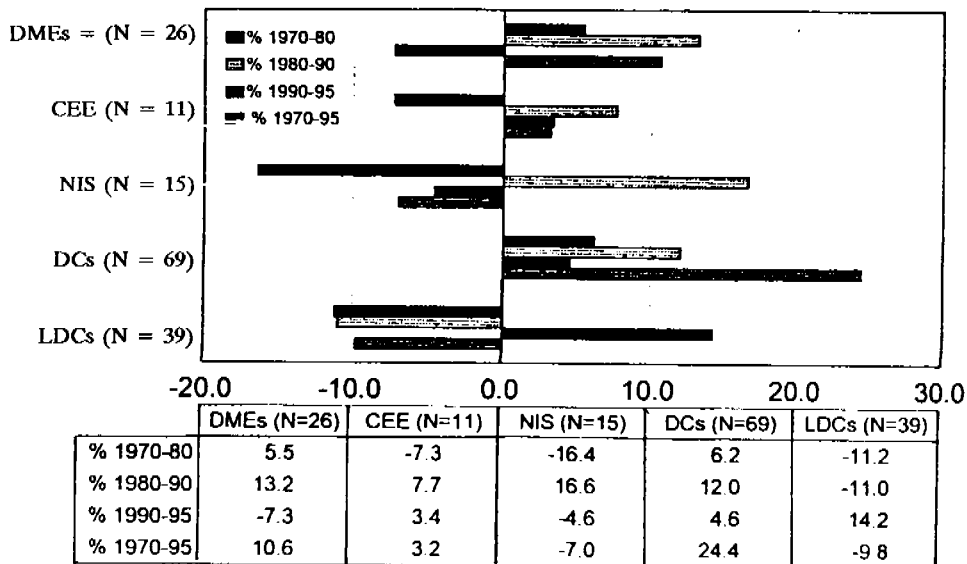
شکل ۲. درصد تغییر در متوسط شاخص WISP در مناطق مختلف جهان، طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۰



شکل ۳. متوسط شاخص WISP براساس گروه‌های توسعه، طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۰ (N = ۱۶۰)



شکل ۴. درصد تغییر در متوسط شاخص‌های فرعی شاخص WISP براساس گروه‌های توسعه، طی سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۷۰



توجه: DMEs: اقتصادهای توسعه یافته بازار؛ CEE: کشورهای اروپای شرقی و مرکزی

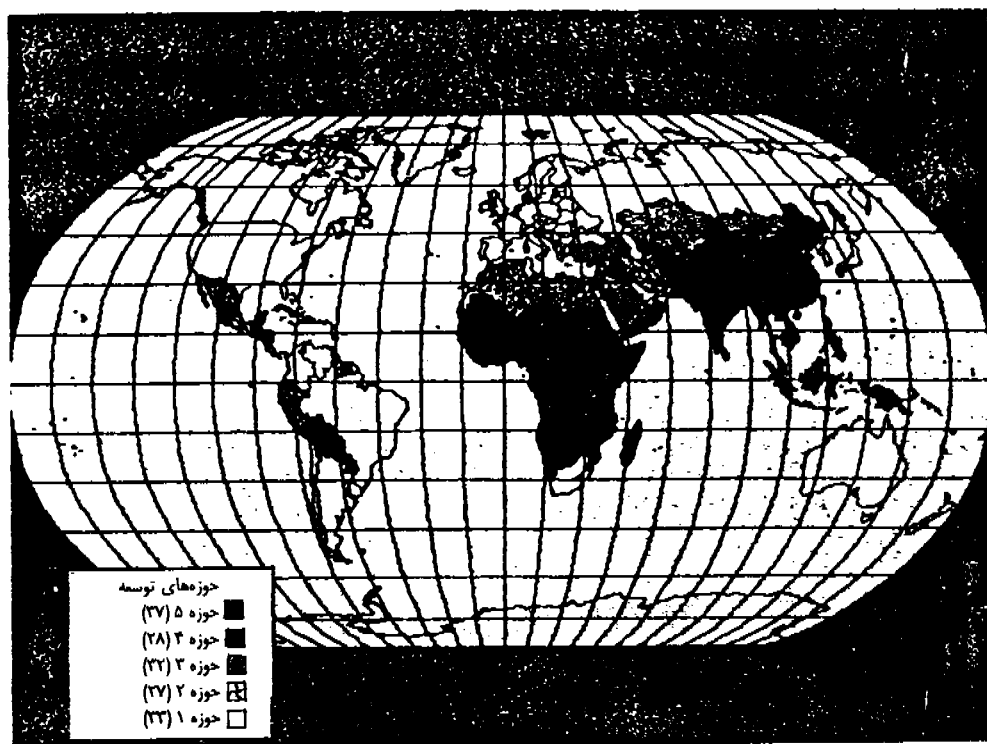
NIS: کشورهای تازه استقلال یافته از اتحاد شوروی سابق

DCs: کشورهای در حال توسعه؛ LDCs: کشورهای کمتر توسعه یافته

## حوزه‌های توسعه اجتماعی

در مطالعه اولیه WISP برای طبقه‌بندی کشورها در یکی از پنج "حوزه توسعه اجتماعی"<sup>۱</sup>، یعنی گروه‌های غیرجغرافیایی کشورها که الگوهای کم و بیش قابل مقایسه‌ای از توسعه را ایجاد می‌کنند، مورد استفاده قرار گرفته است (استس، ۱۹۸۴، ۱۹۸۸). شکل ۵، خلاصه شماتیک از وضعیت "توزیع" توسعه اجتماعی در سطح جهان، منطقه‌ای و ملی را در مناطق جغرافیایی اصلی در سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد.

### شکل ۵





## کشورهای پیشرو و توسعه نیافته از نظر اجتماعی در جهان

تغییرات چشم‌گیری در وضعیت توسعه اجتماعی تک تک کشورها قابل مشاهده می‌باشد. این تفاوت‌ها به صورت شاخص ترکیبی WISP نشان داده شده و رتبه‌بندی‌ها به صورت جداگانه در سه گروه "کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی"، "کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته" و "کشورهای با عملکرد میانه"، به ترتیب، در جدول‌های ۳ تا ۵ ارائه شده است. وضعیت رتبه‌بندی WISP در کشورهای مختلف که در این جدول‌ها گزارش شده است، رتبه‌بندی کلی توسعه اجتماعی تک تک کشورها را نسبت به ۱۶۰ کشور مورد مطالعه نشان می‌دهد.

### کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی

در جدول ۳، طبقه‌بندی ۳۳ کشور که در این مطالعه به عنوان "کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی" (SLs) شناسایی شده‌اند، ارائه شده است. بیشتر این کشورها در اروپا (۲۶ کشور از ۳۳ کشور) قرار گرفته‌اند. بسیاری از این کشورها، به طور نسبی، کشورهای کوچک با جمعیت زیر ۲۵ میلیون نفر (میانگین ۱۰/۱ میلیون نفر و انحراف ۵۰/۴ میلیون نفر) هستند.

همچنین بیشتر کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی (۲۳ کشور از ۳۳ کشور) کشورهای دارای اقتصاد بازار توسعه یافته می‌باشند، یعنی کشورهایی که از نظام‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار پیشرفته برخوردارند. با وجود این، شش کشور از مجموع کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی کشورهایی هستند که در گروه کشورهای اروپای شرقی و مرکزی قرار می‌گیرند، یعنی کشورهای بلغارستان، مجارستان، لهستان، اسلونی، جمهوری اسلواک، و جمهوری چک. دو کشور نیز در ردیف دولت‌های بازمانده از اتحاد شوروی سابق هستند، و در نتیجه، در گروه دولت‌های تازه استقلال یافته قرار می‌گیرند، یعنی کشورهای استونی و اوکراین. با خارج کردن کشورهای متعلق به گروه کشورهای تازه استقلال یافته از گروه کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی، بیشتر کشورهای این گروه کشورهایی خواهند بود که از تاریخ طولانی به عنوان کشورهای مردم سالار با نظام‌های اقتصادی مبتنی بر بازار برخوردارند. جمهوری چک، مجارستان و لهستان، به ترتیب، طی سال‌های ۱۹۹۵،

۱۹۹۶ و ۱۹۹۶ به گروه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (ا.ا.ی.سی.دی.) - که اصطلاحاً باشگاه ملت‌های ثروتمند خوانده می‌شوند - پیوسته‌اند. مابقی سه کشور پیشرو در توسعه اجتماعی که در ردیف کشورهای دارای اقتصاد بازار توسعه یافته نیستند، در حال حاضر، منتظر بررسی درخواست خود برای پیوستن به ا.ا.ی.سی.دی.، می‌باشند.

شرایط اقتصادی در کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی، به طور استثنایی مساعد است. ویژگی‌های اصلی اقتصادی این کشورها، به عنوان یک گروه کلی، عبارتند از: تولید ناخالص داخلی سرانه نسبتاً بالا (به طور متوسط ۱۸۷۰۰ دلار در سال)، نرخ‌های رشد اقتصادی معتدل (به طور متوسط ۳ درصد در سال)، و تورم پایین (به طور متوسط ۳/۱ درصد در سال). کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی، همچنین دارای نرخ‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بالا هستند که این امر ناشی از ثبات بالا و قابلیت تبدیل‌پذیری آسان پول ملی آنها می‌باشد. به علاوه، بدهی خارجی در بیشتر کشورهای این گروه، در مقایسه با فشار بدهی بخش عمومی در سایر گروه‌های مورد بررسی، نسبتاً پایین است (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

ویژگی‌های دیگری را نیز می‌توان برای کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی برشمرد که از میان آنها می‌توان به نرخ پایین رشد جمعیت (۴/۰ درصد)، سطوح پایین مرگ و میر نوزادان (۸ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد)، و برخورداری از طولانی‌ترین نرخ امید به زندگی در جهان (۷۹ سال) اشاره کرد. سطوح باسوادی بزرگسالان در این گروه از کشورها به دلیل وجود فرصت‌های فراوان در برخورداری از آموزش‌های پیش‌رفته بالا می‌باشد (۹۸ درصد). این کشورها همچنین دارای درصد پایین کودکان در سن وابستگی (۲۰ درصد) و نسبت بالای افراد سالخورده (۱۴ درصد) می‌باشند.

یکی از مشخصه‌های مهم توسعه اجتماعی در کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی، وجود شبکه‌های گسترده تأمین اجتماعی است که به جبران خطرهای کاهش درآمد ناشی از صدمات حین کار، بیماری و ناتوانی، پیری، دوران بارداری، مرگ زودرس، بیکاری و مستمری بازنندگی، که مردم همیشه با آن مواجه هستند، کمک می‌کند (وزارت بهداشت ایالات متحده، ۱۹۹۷). در نتیجه، مخارج صرف شده برای برنامه‌های اجتماعی داخلی در این گروه از کشورها به طور چشم‌گیری نسبت به دو گروه دیگر بالاتر است (بانک جهانی، ۱۹۹۷). برای مثال، کشورهای اروپایی عضو گروه کشورهای

پیشرو در توسعه اجتماعی، در حدود ۴۶ درصد از تولید ناخالص ملی خود را به تأمین هزینه‌های طیف گسترده‌ای از خدمات بهداشتی و فعالیت‌های انسانی اختصاص می‌دهند (او.دی.سی.دی.، ۱۹۹۶). شاخص WISP برای کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی طی سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، به ترتیب، برابر با ۷۹، ۸۱ و ۹۲ بوده است که نشانگر افزایش خالص به اندازه ۱۷ درصد در دوره ۲۰ ساله است. به طور کلی، ۱۷ درصد جمعیت جهان در کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی ساکن هستند، یعنی تقریباً ۹۷۲ میلیون نفر. انتظار می‌رود که سهم جمعیت ساکن در این گروه از کشورها نسبت به کل جمعیت جهان به تدریج کاهش یابد و به کمتر از ۱۵ درصد در سال ۲۰۲۵ برسد؛ که تمام این کاهش نتیجه ادامه نرخ رشد بالای جمعیت در کشورهای فقیر در ۲۵ سال اول قرن آینده خواهد بود (یوان.دی.پی.، ۱۹۹۷).

### جدول ۳. رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی (WISP)

براساس رتبه سال ۱۹۹۵: کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی دوره

۱۹۷۰-۱۹۹۵ (N=۳۳/۱۶۰)

تغییر در رتبه در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه در دوره ۱۹۷۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
۰	۲	-۱	دانمارک	۱/۰	۹۸/۴
۰	۴	-۳	نروژ	۲/۰	۹۵/۶
۱	۱	۳	اتریش	۳/۲	۹۳/۲
-۱	۱	-۳	سوئد	۳/۲	۹۳/۱
۱	۱	۳	فرانسه	۵/۰	۹۱/۹
۳	۶	-۱	فنلاند	۶/۲	۹۰/۸
-	-	-	لوکزامبورگ	۶/۲	۹۰/۷
۵	-۲	-۴	ایرلند	۸/۰	۸۹/۱
-	-	-	آلمان	۹/۲	۸۸/۱
۱۶	۰	-۸	لهستان	۹/۲	۸۸/۵

## ادامه جدول ۳

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
۸	۰	-۷	مجارستان	۱۱/۴	۸۷/۲
-	-	-	ایسلند	۱۱/۴	۸۷/۵
-۷	۴	-۵	هلند	۱۱/۴	۸۷/۸
-۳	-۶	۱۰	ایتالیا	۱۱/۴	۸۷/۹
-۶	-۲	۳	بلژیک	۱۵/۴	۸۶/۸
-	-	-	اسلوونی	۱۵/۴	۸۶/۹
-۵	۰	-۷	بریتانیا	۱۵/۴	۸۶/۴
۵	۳	۵	پرتغال	۱۵/۴	۸۶/۲
-۶	-۴	۱۲	ژاپن	۱۹/۳	۸۵/۵
-۵	۰	-۷	زلاتند نو	۱۹/۳	۸۵/۳
۰	-۲	۷	اسپانیا	۱۹/۳	۸۵/۸
-	-	-	جمهوری چک	۲۲/۰	۸۴/۴
-۱۲	۲	۷	سوئیس	۲۳/۰	۸۳/۱
-۴	-۱	۹	یونان	۲۴/۳	۸۲/۱
-۷	-۳	-۱	استرالیا	۲۴/۳	۸۲/۶
۰	-۳	-۵	بلغارستان	۲۴/۳	۸۲/۰
-	-	-	جمهوری اسلواکی	۲۷/۳	۷۹/۶
-۹	۱	۴	ایالات متحده	۲۷/۳	۷۹/۹
-	-	-	استونی	۲۷/۳	۷۹/۸
-	-	-	اوکراین	۳۰/۰	۷۸/۱
۲	۴	-	هنگ کنگ	۳۱/۲	۷۷/۷
-۱۶	۳	۱	کانادا	۳۱/۲	۷۷/۸
۳	۱۳	-۱۹	شیلی	۳۳/۰	۷۶/۷
-۱۶/۰	-۶/۰	-۱۹/۰	حداقل	۱/۰	۷۶/۷
۱۶/۰	۱۳/۰	۱۲/۰	حداکثر	۳۳/۰	۹۸/۴
-۱/۵	۰/۹	-۰/۳	میانگین	۱۶/۵	۸۶/۰

## کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته

در این مطالعه، ۳۸ کشور به عنوان "کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته" (SLDCs) طبقه‌بندی شده‌اند. برای تعیین کشورهای عضو این گروه، سه معیار مورد استفاده قرار گرفته است: ۱) عملکرد بسیار ضعیف WISP در این کشورها؛ ۲) کاهش خالص در رتبه WISP این کشورها بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۵؛ ۳) سطوح بالای بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها در حال حاضر.

بیشتر کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته در مناطق در حال توسعه آفریقا (۲۹ کشور)، آسیا (۷ کشور) و آمریکای لاتین (یک کشور) قرار دارند. گینه پایوا، تنها کشور حوزه اقیانوس آرام جنوبی است که در این گروه قرار گرفته است (جدول ۴). به علاوه، بیشتر کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته قبلاً به طور رسمی توسط سازمان ملل متحد تحت عنوان "کشورهای توسعه نیافته" طبقه‌بندی شده است (یعنی ۲۲ کشور از مجموع ۳۸ کشور): باقیمانده شش کشور، یعنی ساحل عاج، کامرون، اریتره، نیجریه، پاکستان و گینه پایوا، توسط سازمان ملل متحد به عنوان کشورهای در حال توسعه طبقه‌بندی می‌شوند. در تمام موارد، اوضاع اجتماعی بسیار ناامیدکننده که ویژگی تمام کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته مورد بررسی در این مطالعه است به درستی توسط سازمان ملل متحد برای طبقه‌بندی مجدد این کشورها به عنوان کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCs) مورد استفاده قرار گرفته و این طبقه‌بندی مجدد را جامعه جهانی مبنای ارائه کمک‌های ترجیحی توسعه قرار داده است.

شاخص WISP برای کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته طی سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵، به ترتیب، برابر با ۱۵، ۱۳، ۱۰ و ۱۰ بوده است (جدول ۴). این اعداد، نشانگر زوال تدریجی اوضاع اجتماعی این کشورها بعد از سال ۱۹۷۰ است. به علاوه، رتبه اجتماعی این گروه از کشورها، به طور متوسط، ۴۹ پله سقوط کرده و از رتبه متوسط ۹۲ در سال ۱۹۷۰ به ۱۴۱ در سال ۱۹۹۵ رسیده است.

## جدول ۴. رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی (WISP)

براساس رتبه سال ۱۹۹۵: کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته دوره

(N=۳۸/۱۶۰) ۱۹۹۵-۱۹۷۰

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۴۰	۶	-۱۷	هائیتی*	۱۲۲/۳	۲۲/۸
-۲۳	-۷	۲	تانزانیا*	۱۲۳/۳	۲۲/۰
-۳۲	۰	-۱۰	کامرون	۱۲۳/۳	۲۲/۴
-۱۴	-۷	-۱۳	بنین*	۱۲۶/۳	۲۱/۸
-۲۴	۱۶	-۲۲	مالاوی*	۱۲۶/۳	۲۱/۰
-۴۲	-۲	-	گینه پایوا	۱۲۶/۳	۲۱/۱
-۴۱	۱۵	-۱۸	پاکستان	۱۲۹/۰	۲۰/۴
-۲۲	۰	-۲۷	کامبوج*	۱۳۰/۰	۱۹/۲
-	-	-	کومور*	۱۳۱/۰	۱۸/۲
-۳۸	۲۲	-۱۳	بروندی*	۱۳۲/۲	۱۷/۵
-۳۵	۷	-۸	نپال*	۱۳۲/۲	۱۷/۶
-۱۹	۰	-۲۰	مالی*	۱۳۴/۲	۱۶/۵
-۳۰	-۵	-۱۲	سودان*	۱۳۴/۲	۱۶/۳
-۲۵	-۲	-۱۰	جمهوری آفریقای مرکزی*	۱۳۶/۰	۱۵/۵
-	-	-	گامبیا*	۱۳۷/۰	۱۴/۶
-۳۲	۷	-۳۳	موریتانی*	۱۳۸/۰	۱۳/۴
-	-	-	بوتان*	۱۳۹/۰	۱۲/۷
-	-	-	جیبوتی*	۱۴۰/۰	۱۱/۸
-	-	-	یمن*	۱۴۱/۲	۱۰/۶
-۳۱	-۲۳	۱۵	نیجریه	۱۴۱/۲	۱۰/۸
-۴۵	-۹	-۱۱	ساحل عاج	۱۴۳/۳	۹/۵
-۴۰	-۹	-۳	زئیر*	۱۴۳/۳	۹/۹
-۴۴	-۵	-	لائوس*	۱۴۳/۳	۹/۵
-۲۷	-۲	-۲۴	گینه*	۱۴۶/۲	۸/۱

## ادامه جدول ۴

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۵۳	۹	-۱۳	رواندا*	۱۴۶/۲	۸/۵
-۴۱	۰	-۱۴	اوگاندا*	۱۴۸/۰	۷/۷
-	-	-	کینه بیسائو*	۱۴۹/۳	۶/۸
-۳۷	-۲	-۴	بورکینا فاسو*	۱۴۹/۳	۶/۵
-	-	-	اریتره	۱۴۹/۳	۶/۳
-۳۵	-۱	-۱۳	نیجر*	۱۵۲/۰	۵/۰
-۲۹	۰	-۱۹	اتیوپی*	۱۵۳/۰	۱/۲
-۳۳	۲	-۱۷	چاد*	۱۵۴/۰	۰/۸
-۳۲	-۱	-	موزامبیک*	۱۵۵/۰	-۳/۱
-۴۷	-۱۲	-۱۹	لیبریا*	۱۵۶/۰	-۵/۳
-۴۰	-۸	-۳۳	سیرالئون*	۱۵۷/۲	-۷/۵
-۳۸	-۷	-۲۵	سومالی*	۱۵۷/۲	-۷/۴
-۴۳	۵	-	افغانستان*	۱۵۹/۰	-۱۰/۸
-۳۸	-۳	-	آنگولا*	۱۶۰/۰	-۲۴/۷
-۵۳/۰	-۲۳/۰	-۳۳/۰	حداقل	۱۲۳/۳	-۲۴/۷
-۱۴/۰	۲۲/۰	۱۵/۰	حداکثر	۱۶۰/۰	۲۲/۸
-۳۴/۵	-۰/۵	-۱۴/۷	میانگین	۱۴۱/۲	۹/۷

شاخص‌های اجتماعی مهم برای کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته، نشانگر سطوح بالای وخامت اوضاع اجتماعی در این کشورهاست. برای مثال، امید به زندگی در این کشورها، به طور متوسط، تنها ۵۱ سال است. نرخ‌های مرگ و میر نوزادان (۱۱۰ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد) و کودکان (۱۷۷ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد) به دلیل وجود تعداد فراوان مرگ و میر ناشی از بیماری‌های واگیردار و عفونی، در ردیف بالاترین نرخ‌ها در جهان است (یوان.دی.پی،، ۱۹۹۷). دسترسی به روش‌های جلوگیری از حاملگی در سطح نامطلوبی باقیمانده و نتیجه این شده که نرخ افزایش جمعیت کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته به طور چشم‌گیری بالاتر از نرخ‌هایی است که در گروه بزرگ

کشورهای در حال توسعه وجود دارد، یعنی ۲/۹ درصد در مقابل ۱/۸ درصد. نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال در این گروه از کشورها، به طور متوسط، ۴۵ درصد است، که بالاترین نسبت جمعیت جوان در سطح جهان است.

مهاجرت جمعیت فیزیکی از ویژگی‌های بارز زندگی در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته است. بخشی از این مهاجرت، ریشه در جستجوی فرصت‌های اقتصادی بهتر دارد. ولی جنگ، درگیری‌های شهری و بی‌ثباتی سیاسی نیز به این فرایند کمک می‌کند. در تمام موارد، نتایج اجتماعی مهاجرت جمعیت می‌تواند گسترش یابد. در اغلب این کشورها، مهاجرت وسیع جمعیت، موجب گرفتاری‌های زیر می‌شود: ۱) رها شدن کودکان، افراد مسن و سایر اعضای خانواده که از نظر اقتصادی فاقد بهره‌وری هستند، در نواحی روستایی؛ ۲) تضعیف، و در اغلب موارد از دست رفتن، خویشاوندی سنتی و پیوندهای خانوادگی؛ ۳) کاهش زمین‌های موروثی، شامل آن بخش از زمین‌ها که در آن کشاورزی معیشتی و سایر اشکال فعالیت اقتصادی امکان‌پذیر انجام می‌گیرد؛ ۴) تکرار فقر، سوء تغذیه و مرگ زودرس برای افرادی که قادر به تأمین نیازهای زندگی نبوده و در نواحی روستایی متراکم و آلوده کار می‌کنند. تاکنون، هیچ یک از کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته نتوانسته‌اند برنامه‌های اجتماعی مؤثری را برای کمک به شهروندان خود برای کاهش مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت برنامه‌ریزی نشده به اجرا درآورند.

بیکاری نیز از دیگر مشکلاتی است که در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته گسترده است. نرخ‌های بیکاری رسمی در این گروه از کشورها، به طور متوسط، ۲۰ درصد است. ولی نرخ بیکاری واقعی بسیار بالاتر از این رقم است. میزان بیکاری به ویژه در میان زنان، مردان بالای ۴۵ سال، افراد ناتوان، و بی‌سوادان بالاست. مدارس در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته به طور فاحشی ناکافی هستند و همین امر موجب شده تا افراد نسبتاً اندکی با مهارت‌های فنی موردنیاز برای موفقیت در اقتصاد جهانی شدیداً رقابتی تجهیز شوند. فرصت‌های آموزش‌های فنی پیش‌رفته نیز در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته بسیار کمیاب می‌باشد.

تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته در سال ۱۹۹۵، به طور



متوسط، تنها ۹۵۰ دلار (با انحراف معیار ۵۰۸ دلار) بوده است. سطوح پس انداز خصوصی و عمومی به شدت پایین است، در حالی که سطوح بدهی بخش عمومی به شدت بالاست. بیشتر دولت‌ها در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته به ترکیبی از وام‌های بین‌المللی، کمک‌های رسمی توسعه، و سرمایه‌گذاری خصوصی از خارج برای تأمین مالی فعالیت‌های توسعه‌ای مهم خود وابسته هستند (بانک جهانی، ۱۹۹۷). وضعیت اجتماعی اسفناک در بیشتر کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته با مشکلاتی چون نرخ‌های رشد اقتصادی پایین (کمتر از ۰/۳ درصد)، تورم بالا (۳۷ درصد)، دسترسی محدود به منابع طبیعی و سایر منابع (شامل حمل و نقل در مورد آن دسته از کشورها که به دریا راه ندارند)، و ناتوانی در رقابت با بازارهای بین‌المللی به عنوان یک شریک کامل، تشدید شده است.

مخارج عمومی در برنامه‌های اجتماعی در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته در حداقل خود قرار دارد، گرچه بیشتر کشورهای این گروه قوانین جاه‌طلبانه‌ای را - هر چند به صورت اجرائی شده - در مورد طرح‌های تأمین اجتماعی به تصویب رسانده‌اند (وزارت بهداشت ایالات متحده، ۱۹۹۷). در عوض، کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته به ترکیبی از کمک‌های متمرکز خانوادگی و قبیله‌ای سنتی و نظام‌های کمک متقابل برای کمک به اعضای بسیار فقیر خود وابسته هستند. نکته تعجب‌آور این که مخارج دفاعی در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته، به طور متوسط، ۴/۶ درصد تولید ناخالص ملی است، یعنی ۵۰ درصد بیش از متوسط هزینه‌های دفاعی در کشورهای در حال توسعه.

### کشورهای با عملکرد میانه

بیشتر کشورهای مورد بررسی در این مطالعه، در گروه "کشورهای با عملکرد میانه" (MPCs) طبقه‌بندی شده‌اند، یعنی کشورهایی که شاخص WISP آنها در محدوده  $\pm 1$  انحراف معیار از میانگین ۱۶۰ کشور مورد بررسی در این مطالعه قرار گرفته است (میانگین برابر با ۴۹ و انحراف معیار برابر با ۲۸/۴). ۸۹ کشوری که این معیار را دارند، به سه زیر گروه تقسیم شده‌اند، یعنی، کشورهای با عملکرد بالا (۲۸ کشور)، کشورهای با عملکرد معتدل (۳۳ کشور)، و کشورهای با عملکرد پایین (۳۳ کشور). در جدول ۵، کشورهایی که در این سه زیر گروه قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

همان گونه که در جدول ۵ نشان داده شده است، بیشتر کشورهای با عملکرد میانه توسط سازمان ملل متحد در گروه کشورهای در حال توسعه (DCs) طبقه بندی می شوند. با وجود این، کشورهای با عملکرد میانه، همچنین شامل ۱۳ کشور از ۱۵ کشور تازه استقلال یافته، پنج کشور در گروه اروپای شرقی و مرکزی (شامل رومانی، جمهوری یوگسلاوی، کرواسی، مقدونیه و آلبانی)، سه کشور در گروه اقتصادهای بازار توسعه یافته (اسرائیل، آفریقای جنوبی، سنگاپور)، و هفت کشور نیز در گروه کشورهای توسعه نیافته (زامبیا، لسوتو، ماداگاسکار، بوتسوانا، توگو، بنگلادش، میانمار) می باشند. به استثنای آمریکای شمالی، کشورهای با عملکرد میانه در تمام مناطق اصلی جغرافیایی جهان با تمرکز شدید در کشورهای آسیا و آمریکای لاتین پراکنده شده اند که عبارتند از: آسیا (۳۶ کشور)، آمریکای لاتین (۲۲ کشور)، آفریقا (۲۰ کشور)، اروپا (۱۰ کشور)، و حوزه اقیانوس آرام (یک کشور).

### جدول ۵. رتبه بندی کشورها براساس شاخص وزنی پیشرفت اجتماعی (WISP)

براساس رتبه سال ۱۹۹۵: کشورهای با عملکرد میانه

دوره ۱۹۷۰-۱۹۹۵ (N=۸۹/۱۶۰)

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۳)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۹/۸	۰/۱	-۱/۲	کشورهای با عملکرد میانه بالا (N=۲۸)	۲۶/۹	۶۷/۸
-	-	-	لیتوانی	۲۳/۰	۷۵/۴
-	-	-	قبرس	۲۵/۳	۷۲/۸
-	-	-	جمهوری یوگسلاوی	۲۵/۳	۷۲/۱
۲	-۱۰	-۶	رومانی	۲۵/۳	۷۲/۹
-	-	-	لاتوی	۲۸/۲	۷۲/۵
-۶	۰	۵	اسرائیل	۲۸/۲	۷۲/۷

## ادامه جدول ۵

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۱۰	۱۶	۳	جمهوری کره	۴۰/۳	۷۲/۸
-۱۳	-۱	۶	کاستاریکا	۴۰/۳	۷۲/۱
-۱۳	۱۱	-	تایوان	۴۰/۳	۷۲/۶
-۱۶	۴	-۴	اوروگوئه	۴۳/۲	۷۱/۲
-	-	-	فدراسیون روسیه	۴۳/۲	۷۱/۲
-	-	-	کرواسی	۴۵/۲	۶۸/۷
-۷	۶	-	موریس	۴۵/۲	۶۸/۱
-	-	-	ارمنستان	۴۷/۳	۶۷/۵
-	-	-	بلاروس	۴۷/۳	۶۷/۶
-۱۶	۴	-۲	آرژانتین	۴۷/۳	۶۷/۹
-۴	-۳	-۷	پاناما	۵۰/۰	۶۶/۰
-	-	-	مولداوی	۵۱/۲	۶۵/۶
-۱۷	۱	۹	سنگاپور	۵۱/۲	۶۵/۱
-۶	۶	-۱	تایلند	۵۳/۰	۶۳/۸
-۱۳	-۴	-۱۱	کوبا	۵۴/۲	۶۲/۶
-۱۲	-۳	۴	کلمبیا	۵۴/۲	۶۲/۶
-	-	-	جمهوری قرقیزستان	۵۶/۵	۶۱/۸
-۱۴	-۱۱	۶	ونزوئلا	۵۶/۵	۶۱/۵
-۶	۵	-۳	تونس	۵۶/۵	۶۱/۸
-۲۲	-۴	۴	جامائیکا	۵۶/۵	۶۱/۰
۱۲	-۱۲	-۱۶	آفریقای جنوبی	۵۶/۵	۶۱/۳
-۱۶	-۴	-۶	برزیل	۶۱/۰	۶۰/۰
-۱۷/۹	۰/۳	-۲/۹	کشورهای با عملکرد میانه معتدل (N=۳۳)	۷۷/۳	۵۲/۶
-۲۲	۲	-۲	ترینیداد و توباگو	۶۲/۲	۵۹/۳

## ادامه جدول ۵

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۹	-۶	-۱۶	آلبانی	۶۲/۲	۵۹/۰
-۹	-۵	-۲	پاراگوئه	۶۴/۰	۵۸/۴
-۱۷	۶	-۸	مکزیک	۶۵/۲	۵۷/۹
-	-	-	ازبکستان	۶۶/۰	۵۷/۷
-۱۵	-۱	-۴	اکوادور	۶۷/۰	۵۶/۷
-۱۳	۲	-۸	السالوادور	۶۸/۵	۵۵/۵
-	-	-	مقدونیه	۶۸/۵	۵۵/۰
-	-	-	گرجستان	۶۸/۵	۵۵/۳
-۳	-۳۸	۱۱	لبنان	۶۸/۵	۵۵/۲
-۸	۵	۵	اردن	۶۸/۵	۵۵/۶
-	-	-	کویت	۷۳/۳	۵۴/۷
-۱۷	۰	۳	مالزی	۷۳/۳	۵۴/۵
-۱۶	۱۵	-۱۳	الجزایر	۷۳/۳	۵۴/۳
-۲۶	۲	-۱	جمهوری دومینیکن	۷۶/۲	۵۳/۸
-۱۶	۱۴	-۱۹	هندوراس	۷۶/۲	۵۳/۱
-	-	-	آذربایجان	۷۸/۴	۵۲/۱
-۲۷	۲	-۱	ترکیه	۷۸/۴	۵۲/۴
-۳۰	-۲	-۵	سریلانکا	۷۸/۴	۵۲/۸
-۲۰	۳	-۶	فیلیپین	۷۸/۴	۵۲/۸
-۱۸	۵	-۱۱	پرو	۸۲/۰	۵۱/۹
-	-	-	فیجی	۸۳/۳	۵۰/۲
-	-	-	قزاقستان	۸۳/۳	۵۰/۳
-۱۳	-۸	۲۲	لیبی	۸۳/۳	۵۰/۸
-۱۶	-۲	-	مغولستان	۸۶/۳	۴۹/۱
-۲۲	۳	-۶	مصر	۸۶/۳	۴۹/۲

## ادامه جدول ۵

تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه WISP در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-	-	-	بحرین	۸۶/۳	۴۹/۶
-	-	-	گویان	۸۹/۲	۴۸/۷
-۲۷	۱۹	-	عربستان سعودی	۸۹/۲	۴۸/۳
-۱۷	-۱۰	۰	سوریه	۹۱/۰	۴۶/۶
-۲۷	۵	-۱	مراکش	۹۲/۳	۴۵/۳
-	-	-	قطر	۹۲/۳	۴۵/۶
-۲۴	-۳	۱	ایران	۹۲/۳	۴۵/۵
-۲۸/۶	-۰/۱	-۸/۶	کشورهای با عملکرد میان‌پایین (N=۲۸)	۱۰۸/۳	۳۴/۳
-	-	-	بوتسوانا*	۹۵/۰	۴۴/۳
-۲۴	-۱۳	۴۱	اندونزی	۹۶/۲	۴۳/۳
-	-	-	نامیبیا	۹۶/۲	۴۳/۳
-۱۱	-۲۰	-۴	بولیوی	۹۸/۰	۴۲/۴
-۱۷	-۵	-۴	ویتنام	۹۹/۰	۴۱/۴
-	-	-	سوازیلند	۱۰۰/۳	۴۰/۹
-۲۳	-۸	-	لسوتو*	۱۰۰/۳	۴۰/۱
-	-	-	تاجیکستان	۱۰۰/۳	۴۰/۴
-۳۸	-۳	-	جمهوری دموکراتیک خلق کره	۱۰۳/۲	۳۹/۲
-	-	-	سورینام	۱۰۳/۲	۳۹/۸
-	-	-	ترکمنستان	۱۰۵/۰	۳۸/۳
-۴۴	۱۱	-	چین	۱۰۶/۰	۳۷/۷
-	-	-	عمان	۱۰۷/۰	۳۵/۷
-۳۴	۳	-۲۱	نیکاراگوا	۱۰۸/۲	۳۳/۵
-۳۱	۳	-۱۲	گواتمالا	۱۰۸/۲	۳۳/۷

## ادامه جدول ۵

تغییر در رتبه در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ (پایه = ۱۶۰)	تغییر در رتبه در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ (پایه = ۱۲۴)	تغییر در رتبه در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ (پایه = ۱۰۷)	نام کشور	رتبه WISP95 (پایه = ۱۶۰)	مقدار WISP95 (پایه = ۱۶۰)
-۳۴	۵	-۱۶	زیمبابوه	۱۱۰/۲	۳۲/۵
-۳۱	-۴	-۱۰	عراق	۱۱۰/۲	۳۲/۵
-۳۴	۶	-۲۵	میانمار*	۱۱۲/۰	۳۰/۳
-۳۳	۴	۱	هندوستان	۱۱۳/۲	۲۹/۳
-۱۹	۷	-	بنگلادش*	۱۱۳/۲	۲۹/۷
-	-	-	گابون	۱۱۵/۲	۲۸/۶
-۲۹	۵	-	کنگو	۱۱۵/۲	۲۸/۷
-۲۱	۱۰	-۶	توگو*	۱۱۷/۰	۲۷/۸
-۲۷	-۱۲	-۱۰	ماداگاسکار	۱۱۸/۰	۲۶/۹
-۳۵	۴	-۱۲	زامبیا*	۱۱۹/۰	۲۵/۴
-۲۳	۱	-۱۶	غنا	۱۲۰/۲	۲۴/۸
-۳۰	-۴	-۱۲	کنیا	۱۲۰/۲	۲۴/۹
-۳۳	۹	-۲۳	سنگال	۱۲۲/۰	۲۳/۸
-۴۴/۰	-۳۸/۰	-۲۵/۰	حداقل	۳۴/۰	۲۳/۸
۱۲/۰	۱۹/۰	۴۱/۰	حداکثر	۱۲۲/۰	۷۵/۴
-۱۹/۲	۰/۱	-۴/۱	میانگین	۷۷/۸	۵۱/۵

\* منظور کشورهایی است که رسماً توسط سازمان ملل متحد به عنوان کشورهای توسعه نیافته طبقه بندی شده اند.

تصویر توسعه اجتماعی در سه گروه از کشورهای با عملکرد میانه تا حدود قابل ملاحظه‌ای متفاوت می‌باشد. برای مثال، اطلاعات ارائه شده در جدول ۶ این نکته را تأیید می‌کند که کشورهای با عملکرد میانه، شامل کشورهایی است که قبلاً اغلب "عناصر اجتماعی" مورد نیاز برای تبدیل شدن به کشورهای با اقتصادهای بازار کاملاً توسعه یافته در یک دوره کوتاه را دارا بودند (کشورهای با عملکرد میانه بالا)، یعنی عناصری چون، نظام‌های سیاسی باثبات، اقتصادهای پویا، دسترسی به منابع

طبیعی حیاتی (به ویژه انرژی)، و کیفیت بالای بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، و نظام‌های رفاهی. کشورهای طبقه‌بندی شده در گروه کشورهای با عملکرد میانه بالا در حال حرکت به سوی پایدار بوده، و در نتیجه، روندهای شاخص اجتماعی آنها نشانگر وضعیت مساعدتر نسبت به سایر گروه‌های کشورهای با عملکرد میانه که مقدار شاخص WISP آنها طی سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵، به ترتیب، برابر با ۵۶، ۵۸، ۶۷ و ۶۸ بوده، می‌باشد.

به عنوان یک گروه، کشورهای با عملکرد میانه همچنین شامل کشورهایی است که الگوهای توسعه آنها این کشورها را با خطر بدتر شدن اوضاع اجتماعی مواجه کرده است، یعنی کشورهای با عملکرد میانه پایین. به طور نسبی عملکرد ضعیف‌تر کشورهای با عملکرد میانه در شاخص‌های پیشرو اجتماعی که در جدول ۶ گزارش شده است، نشان می‌دهد که منافع اخیر توسعه در اغلب این کشورها، در واقع، بسیار شکننده است. در اغلب مواقع، منافع اجتماعی نسبی برخی از کشورهای با عملکرد میانه پایین با روندهای منفی توسعه که در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته رخ داده است، مشابه بوده است. شاخص WISP برای کشورهای با عملکرد میانه پایین در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰، ۱۹۹۰ و ۱۹۹۵، به ترتیب، برابر با ۲۷، ۲۹، ۳۲ و ۳۴ بوده است. این روندها به ویژه برای ۲/۸ میلیارد نفر از مردم ساکن در کشورهای با عملکرد میانه پایین، از جمله دو کشور پر جمعیت هندوستان و چین، نگران‌کننده بوده است.

### جدول ۶. شاخص‌های منتخب در کشورهای با عملکرد میانه در سال ۱۹۹۵

(N=۸۹)

کشورهای با عملکرد میانه بالا	کشورهای با عملکرد میانه متوسط	کشورهای با عملکرد میانه پایین	تمام کشورهای با عملکرد میانه	شاخص‌های اجتماعی
(N = ۲۸)	(N = ۳۳)	(N = ۲۸)	(N = ۸۹)	
۷۱/۶	۶۷/۳	۵۸/۵	۶۵/۹	۱. آموزش و پرورش
۴/۷	۴/۵	۵/۰	۴/۷	- نسبت‌های ترکیبی ثبت نام در مدرسه (+)
۹۲	۸۳	۷۲	۸۲	- درصد هزینه‌های آموزشی بخش عمومی به GNP (+)
				- درصد با سواد بزرگسالان (+)

## ادامه جدول ۶

کشورهای یا عملکردمیانه	کشورهای یا عملکردمیانه	کشورهای یا عملکردمیانه	کشورهای یا عملکردمیانه	شاخص‌های اجتماعی
بالا (N=۲۸)	متوسط (N=۳۳)	پایین (N=۲۸)	تمام کشورهای یا عملکرد میانه (N=۸۹)	
				۲. وضعیت بهداشت و درمان
۷۵	۷۲	۶۲	۷۰	- امید به زندگی در یک سالگی (+)
۲۱	۳۳	۶۵	۳۹	- نرخ مرگ و میر نوزادان در هر ۱۰۰۰ تولد (-)
۲۶	۴۰	۹۲	۵۲	- نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال (-)
۱۰۰۰	۱۷۰۰	۵۹۰۹	۲۸۰۴	- تعداد فیزیکی‌دان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت (-)
				۳. وضعیت زنان
۶۳	۵۰	۳۵	۴۹	- استفاده از روش‌های جلوگیری در زنان ازدواج کرده (+)
۷۴	۱۳۸	۴۰۸	۲۰۳	- نرخ مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰۰۰۰ نوزاد زنده متولد شده (-)
۱۰۵	۱۴۳	۸۳	۹۴	- ثبت نام زنان در دوره متوسطه به صورت درصدی از ثبت نام مردان (+)
				۴. فعالیت‌های دفاعی
۲/۸	۳/۹	۴/۵	۳/۷	- مخارج نظامی به صورت درصدی از GDP (-)
				۵. وضعیت اقتصادی
۶۸۹۹ دلار	۵۳۲۲ دلار	۲۴۳۴ دلار	۴۹۱۰ دلار	- تولید ناخالص داخلی (GDP) سرانه (+)
۲/۲	۱/۵	۳/۲	۲/۳	- درصد رشد واقعی GDP (+)
۵۷/۱	۵۰/۰	۱۰۶/۷	۷۰/۰	- متوسط نرخ تورم سالانه (-)
۹/۰	۱۳/۹	۱۶/۴	۱۳/۱	- نرخ بیکاری (-)
۳۱	۴۷	۱۱۲	۶۲	- بدهی خارجی بخش عمومی به صورت درصدی از GNP (-)
				۶. ویژگی‌های جمعیتی
۲۴/۲	۱۸/۸	۹۹/۳	۴۵/۸	- جمعیت کل (میلیون نفر) (-)
۰/۹	۱/۸	۲/۶	۱/۸	- نرخ رشد سالانه جمعیت (-)
۲۷	۳۶	۴۱	۳۵	- درصد جمعیت در سن ۱۴ سال و پایین‌تر (-)
۸	۵	۴	۶	- درصد جمعیت در سن ۶۵ سال و بالاتر (+)
				۷. شرایط جغرافیایی
				- متوسط سالانه کشته شدگان ناشی از سوانح در هر



## ادامه جدول ۶

کشورهای با عملکردمیان متوسط (N = ۳۳)	کشورهای با عملکردمیان پایین (N = ۲۸)	تمام کشورهای با عملکرد میان (N = ۸۹)	کشورهای با عملکردمیان بالا (N = ۲۸)	شاخص‌های اجتماعی
۱/۶	۵/۰	۲/۳	۰/۶	۱۰۰۰۰۰ نفر (-) - متوسط سالانه آسیب‌دیدگان از سوانح در هر
۷۹۱	۲۱۸۵	۱۱۵۰	۱۶۶	۱۰۰۰۰۰ نفر (-) ۸. آشفته‌گی‌های اجتماعی
۴/۶	۴/۹	۴/۲	۳/۰	- تجاوز به حقوق سیاسی (-)
۴/۶	۵/۰	۴/۴	۳/۴	- تجاوز به آزادی‌های مدنی (-) - تعداد افراد آواره در داخل و خارج در هر ۱۰۰۰۰۰
۷۱	۲۳۶	۲۱۶	۳۶۹	نفر (-) - تعداد کشته شدگان در نتیجه درگیری‌های نظامی در
۰/۶	۰	۰/۳	۰/۳	هر ۱۰۰۰۰۰ نفر (-) ۹. تنوع فرهنگی
۷۴	۶۹	۷۴	۷۷	- سهم‌بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای نژاد و قومیت مشابه یا یکسان است (+)
۷۹	۶۳	۷۲	۷۴	- سهم‌بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای اعتقادات مذهبی یکسان هستند (+)
۷۴	۶۴	۷۳	۸۲	- سهم‌بزرگ‌ترین گروه جمعیتی که دارای زبان مادری یکسان هستند (+)
۵۵	۲۲	۳۸	۵۵	۱۰. اقدامات رفاهی - اولین قانون ملی در مورد سن - سن‌بیری، ناتوانی، مرگ (+)
۲۷	۲۵	۳۳	۴۷	- اولین قانون ملی در مورد سن - بیماری و زایمان (+) - اولین قانون ملی در مورد سن - آسیب‌دیدگان
۴۶	۴۲	۴۹	۶۱	حین کار (+)
۵	۳	۱۱	۲۷	- اولین قانون ملی در مورد سن - بیکاری (+)
۷	۸	۱۴	۲۷	- اولین قانون ملی در مورد سن - پرداخت فوق‌العاده (+)
۵۲/۷	۳۴/۳	۵۱/۶	۶۷/۸	مقدار شاخص WISP در سال ۱۹۹۵

## خطرهایی برای توسعه جهان: دستور کار ناتمام

ملت‌های جهان به یک نقطه عطف مهم رسیده‌اند. پیشرفت چشم‌گیری در دست‌یابی به دست کم برخی از هدف‌های اجتماعی حاصل شده است. ولی هنوز هدف‌های متعددی وجود دارد که تحقق نیافته‌اند. این وضعیت، به ویژه در کشورهای در حال توسعه فقیر، خاصه در ۳۸ کشوری که در این مطالعه تحت عنوان کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته طبقه‌بندی شده‌اند، بسیار حساس است. فقر در بیشتر کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته در سطوح بسیار مایوس‌کننده ادامه داشته و نتیجه این شده است که اغلب این کشورها در گرداب بی‌ثباتی بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی گرفتار آیند. اگر نمی‌خواهیم نابه‌سامانی‌های اجتماعی که در طول ۲۵ سال گذشته در کشورهای از نظر اجتماعی توسعه نیافته پدید آمده است در قرن جدید نیز تداوم یابد ضروری است که تلاش اندیشمندان‌ای را به اجرا درآوریم. به یقین، توجه مجددی باید به مخاطراتی که آینده توسعه اجتماعی جهان را تهدید می‌کند، صورت گیرد.

### ۱. خطر مربوط به جمعیت جهان

نرخ کلی افزایش جمعیت جهان در سال ۱۹۹۵، به طور متوسط، ۱/۷ درصد بوده است، که گرچه کمتر از گذشته است؛ در نرخ رشد جاری، انتظار می‌رود جمعیت جهان تقریباً به ۶/۱ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰، ۷/۰ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۰، و ۸/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۲۵ برسد. انتظار می‌رود که در سال ۲۰۲۵، نرخ رشد جمعیت به ۱/۰ درصد کاهش یابد؛ در همان زمان، انتظار می‌رود که زمان دو برابر شدن جمعیت به ۶۰ سال افزایش یابد، در حالی که در حال حاضر در حدود ۴۵ سال است.

۸۰ درصد افزایش جمعیت جهان از سال ۱۹۶۰ به بعد در مناطق فقیرتر جهان متمرکز بوده است؛ ۹۵ درصد این افزایش در فقیرترین کشورها در این مناطق صورت گرفته است. در همان زمان، نسبت آن بخش از جمعیت جهان که در مناطق توسعه یافته‌تر زندگی می‌کنند از ۳۱ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌شود که این روند تغییرات جمعیت، دست کم تا سال ۲۰۲۵، یعنی هنگامی که کمتر از ۲۰ درصد از جمعیت جهان در مناطق توسعه یافته‌تر

زندگی خواهند کرد، ادامه یابد. حتی براساس برآوردهای خوش بینانه بیشتر دولت‌ها، احتمالاً چالش‌های سختی را برای تدارک نیازهای اساسی بخش عمده جمعیت خود پیش رو خواهند داشت.

### ۲. خطرهای مربوط به تسلیحات جهانی

به رغم پایان یافتن جنگ سرد، تسلیحات و تجارت بین‌المللی در تسلیحات به عنوان خطرهای جدی برای صلح و امنیت جهان باقی مانده است. به طور کلی، منشأ این خطرها را می‌توان در سه عامل جستجو کرد: الف) ادامه وجود تسلیحات اتمی، و حتی تکثیر آن، و مواد اتمی مورد استفاده در تسلیحات؛ ب) تداوم، و در برخی موارد گسترش، تجارت بین‌المللی در سلاح‌های متعارف؛ ج) تداوم وجود و تجارت بین‌المللی غیرقانونی سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و سایر سلاح‌های کشتار انبوه.

### ۳. خطرهای مربوط به مسائل اقتصادی جهان

مهم‌ترین خطرهای اقتصادی که توسعه جهان را تهدید می‌کنند، عبارتند از: الف) بیکاری و کم‌کاری؛ ب) پافشاری بر کار بی‌هدف؛ ج) نبود استانداردهای بهداشتی و ایمنی حرفه‌ای؛ د) تداوم سطوح بالای بدهی خارجی؛ ه) گسترش فقر جهانی؛ و) توقف کمک‌ها که به صورت کاهش جریان کمک‌های رسمی توسعه از کشورهای توسعه یافته‌تر به کشورهای توسعه نیافته منعکس می‌شود. ماهیت دقیق هر کدام از این خطرها برای توسعه اقتصادی جهان در جای دیگر توضیح داده شده و در این مقاله تنها به آن اشاره شده است (بانک جهانی، ۱۹۹۷؛ یوان.دی.پی، ۱۹۹۷).

ادامه این الگوها، این نکته را تأیید می‌کند که بیشتر کشورهای فقیر جهان، احتمالاً هر چه بیشتر به دستاورد کمتری دست می‌یابند. در نتیجه، کنترل‌های شدیدتری بر انتخاب‌های در دسترس دولت‌ها در تلاش برای واکنش به واقعیت‌های محلی اعمال می‌شود. کمک‌های رسمی توسعه (ODA) قبلاً به مقدار قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، منابع کمک‌های رسمی توسعه که در دسترس می‌باشد، نسبت به گذشته با شرایط سخت‌تری پرداخت می‌شود. همین‌طور، تقاضا برای انجام تعدیل ساختاری و سایر اصلاحات کلان اقتصادی احتمالاً تشدید خواهد شد. در نتیجه، نیاز

به ترکیب گسترده تری از مشارکت کنندگان در توسعه، از جمله مشارکت بیشتر بخش خصوصی، وجود خواهد داشت.

#### ۴. گسترش فقر جهانی

همراه با تداوم نرخ‌های بالای رشد جمعیت، فقر به عنوان یک ویژگی مهم در توسعه اجتماعی جهان باقی مانده است. در مطالعه جامعی که درباره فقر جهانی صورت گرفته است، بانک جهانی برآورد کرده که دست کم، ۱۲۰۰ میلیون نفر از مردم جهان در فقر به سر می‌برند. از این تعداد، تقریباً نیمی از فقیران جهان در وضعیت فقر مطلق زندگی می‌کنند، یعنی قادر به تأمین منابع اساسی مورد نیاز برای زندگی انسانی پایدار و آبرومندانه نیستند. به علاوه، مطالعه فوق این نکته را تأیید می‌کند که: الف) تقریباً یک پنجم از جمعیت جهان در فقر زندگی می‌کنند؛ ب) فقر در تمام مناطق جهان وجود دارد؛ ج) فقر به طور قابل ملاحظه‌ای در آسیا و جنوب صحرای آفریقا متمرکز شده است؛ د) گسترش فقر در حال افزایش است.

در آفریقا، فقر در کشورهای غنی از نظر منابع مانند نیجریه و اتیوپی و نیز در کشورهای کوچک‌تر فاقد زمین کافی متمرکز شده است. بیشتر این کشورها، تنها در سال‌های اخیر استقلال سیاسی خود را از قدرت‌های استعماری اروپایی کسب کرده‌اند. در آسیا، فقر بیش از همه در آسیای جنوبی و شرقی متمرکز شده است. در آسیای جنوبی، بخش اعظم فقر مطلق در بنگلادش، هندوستان، اندونزی، پاکستان، و فیلیپین یافت می‌شود. در آسیای شرقی، بیشترین نسبت فقیران در قسمت‌های مرکزی و غربی چین و ویتنام متمرکز شده است.

یوان-دی-پی. برآورد کرده است که بیش از دو سوم از فقیران جهان، تنها در ۱۰ کشور آفریقایی و آسیایی، یعنی در کشورهای بنگلادش، برزیل، چین، اتیوپی، هندوستان، اندونزی، نیجریه، پاکستان، فیلیپین، و ویتنام زندگی می‌کنند (بخش اطلاع‌رسانی عمومی سازمان ملل، ۱۹۹۶، ص ۳). به علاوه، بیشتر فقیران جهان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها در جوامع روستایی ساکن هستند. این وضعیت به ویژه در میان خانوارهای روستایی که سرپرست آنها زنانی هستند که

شوهرا نشان در جستجوی اشتغال به مراکز شهری مهاجرت کرده‌اند، شدیدتر است.

در مطالعه جدیدتری که توسط صندوق کودکان سازمان ملل متحد انجام شده، نتیجه گیری شده است که تعداد فقیران جهان که در فقر مطلق به سر می‌برند به بیش از یک میلیارد نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است - که این افزایش به رغم هفت برابر شدن ثروت کشورهای جهان در طول نیم قرن گذشته بوده است (یونیسف، ۱۹۹۷). ماهیت فراملیتی فقر معاصر در نتیجه گیری انجام شده به وسیله برنامه توسعه سازمان ملل متحد (یوان.دی.پی.) به طور رقت انگیزی به صورت زیر خلاصه شده است:

"فقر به هیچ روی در داخل مرزهای ملی محدود نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای جهانی است. فقر، بدون نیاز به روادید، به شکل مواد مخدر، بیماری‌ها، آلودگی هوا، مهاجرت، تروریسم و بی ثباتی سیاسی، از مرزها عبور می‌کند (یوان.دی.پی.)، (۱۹۹۴)".

### ۵. تضادهای اجتماعی متنوع

تضادهای اجتماعی متنوع به عنوان چالش اصلی در صدر دستور کار اجتماعی جهان باقی مانده است. پایدارترین این تضادها به مسائل زیر مربوط می‌شوند: الف) تکرر؛ ب) ملیت؛ ج) دین؛ د) نژاد؛ ه) زبان و لهجه؛ و) طبقه اجتماعی؛ ز) گروه اجتماعی. در تمام موارد، تضادهای اجتماعی متنوع ناشی از روابط نامتوازن قدرت بین گروه‌های قدرتمندتر و ضعیف‌تر می‌باشد. شدت این عدم توازن در دوره‌های رکود اقتصادی و نااطمینانی سیاسی برجسته‌تر خواهد بود.

در حال حاضر، تضادهای اجتماعی متنوع جدی را می‌توان کمابیش در تمام کشورها پیدا کرد. این تضادها به طور مستقیم بر سطوح به سرعت در حال افزایش جنایت و خشونت فردی که در بیشتر شهرهای جهان و سایر مراکز جمعیتی وجود دارد، تأثیر می‌گذارد. وضعیت فوق در دوره‌های بحران اقتصادی و شرایطی که در آن فرصت‌ها برای پیشرفت فردی و جمعی اندک می‌باشد، وخیم‌تر می‌شود. در تمام موارد، تضادهای اجتماعی متنوع شدید، ناهماهنگ و مخرب هستند؛ همواره، این تضادها مردم جهان را از بسیاری از منابع انسانی و مادی که برای مقابله با چنین تضادهایی مورد نیاز

هستند، محروم می‌کنند.

### ۶. تضعیف نظام‌های خانوادگی و خویشاوندی

نظام‌های سنتی خانوادگی و خویشاوندی در تمام نقاط جهان با تغییرات عمیقی مواجه است. به طور کلی، این تغییرات به وسیله نیروهای اقتصادی تحریک می‌شود، یعنی شکست‌های مکرر در تداوم فعالیت‌های کشاورزی، در دسترس بودن شغل‌های با پرداخت بالا در صنایع شهری، فرصت‌های جدید اقتصادی در کشورهای همسایه و منطقه. ولی نیروهای اجتماعی و سیاسی نیز عوامل بسیار مهم در شکل دادن تغییرات مؤثر بر شکل‌های سنتی خانواده هستند که مهم‌ترین آن عبارتند از، تداوم نرخ‌های بالای افزایش جمعیت، پیر شدن جمعیت، نیاز به تعداد فزاینده‌ای از زنان برای انجام فعالیت‌های خارج از منزل، تضادها و جنگ‌های شهری.

تقریباً تمام این تغییرات به دلیل نبود رفاه اجتماعی کافی و سایر برنامه‌های حمایتی می‌باشد (یعنی طرح‌های مسکن و بیکاری، آموزش شغلی، حمایت‌های درآمدی در دوره‌های سوانح ناشی از کار یا بیماری، کمک‌های مراقبت از کودکان، ارائه خدمات به افراد وابسته و جز اینها). در صورت نبود چنین برنامه‌هایی، خانواده‌های کوچکتر و به طور فزاینده‌ای در حال شهری شدن جهان، آسیب‌پذیرتر از گذشته خواهند شد. در نتیجه، میلیون‌ها نفر به سمت فقر رانده شده و خود را در حفظ نظام‌های سنتی خانوادگی که در گذشته امکان کمک‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد، ناتوان می‌یابند.

به طور نسبی، تعداد اندکی از کشورهای فقیر قادر به تحمل هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با زوال نظام‌های سنتی خانوادگی و خویشاوندی هستند. کشورهای فقیر فاقد منابع لازم برای اجرای انواع مختلف شبکه‌های تأمین اجتماعی که اتباع کشورهای توسعه یافته از آن بهره‌مند هستند، می‌باشند. با وجود این، نیاز به چنین برنامه‌هایی هنوز وجود دارد و هر روز نیز ضرورت بیشتری می‌یابد.

## چشم‌اندازهای آینده

پس از چند دهه پیشرفت اجتماعی معتدل، بیشتر کشورها در حال تقویت ظرفیت خود برای تأمین دست‌کم نیازهای اساسی جمعیت در حال رشد خود هستند. بیشتر کشورهای در حال توسعه، در حال دستیابی به هدف‌های توسعه خود با سرعت بالا هستند؛ بالأخره، انتظار می‌رود که تعدادی از این کشورها خود را به سطح کشورهایی که اصطلاحاً "کشورهای توسعه یافته‌تر" خوانده می‌شوند، برسانند. سایر کشورهای در حال توسعه، خارج از دامنه پیشرفت اجتماعی باقی خواهند ماند. برای این کشورها، سرعت پیشرفت اجتماعی به شدت کند خواهد بود، حتی کندتر از دستاوردهای توسعه‌ای که در دهه‌های گذشته حاصل شده است. نکته عمومی در این کشورها مشکلات غیرقابل مهار فقر، بهداشت نامناسب، رشد بالای جمعیت، مسکن ناکافی، دولت‌های بی ثبات، تضادهای شهری، عدم اطمینان اقتصادی، و تضعیف شدید نظام‌های سنتی خانوادگی و خویشاوندی، می‌باشد.

در آغاز قرن جدید، نیاز آشکاری به اجرای اقدامات جدید و شگفت وجود دارد که تمام ملت‌ها را به جوامع علاقه‌مندتر و از نظر اجتماعی مولدتر تبدیل نماید. این اقدامات، دست‌کم باید منجر به بهبود در زمینه‌های زیر گردد: (۱) از بین بردن فقر مطلق در تمام نقاط؛ (۲) تقویت مشارکت مردم در تمام سطوح سازمان‌های اجتماعی؛ (۳) تسهیم عادلانه‌تر منابع موجود کره زمین.

تغییرات اجتماعی که دربردارنده این هدف‌هاست، پیچیده بوده و به سادگی نمی‌توان راه حل ساده و سریع برای آنها یافت. به علاوه، لازم است که سرمایه‌گذاری‌های پایدار در یک دوره زمانی طولانی برای تغییر در اوضاع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که موجب شده تا نسبت قابل توجهی از جمعیت جهان درگیر فقر شدید و طاقت‌فرسا شوند، صورت گیرد. گرچه، برای انجام این تغییرات وجود تعهد برای افزایش ظرفیت مردم محلی برای تأمین نیازهای اساسی اجتماعی و مادی در چهارچوب واقعیت‌های فرهنگی و محیط زیست آنها ضروری است. هیچ روش دیگری برای توسعه اجتماعی برای کمک به مردم کشورهای فقیر برای رها کردن خود از الگوهای عمیقاً مستحکم شده توسعه نامطلوب که جمعیت آنها طی چهار دهه اسیر آن بوده‌اند، وجود ندارد.

## یادداشت‌ها

۱. نسخه اولیه این مقاله در بیست و هفتمین کنفرانس منطقه‌ای آسیا و اقیانوس آرام که شورای بین‌المللی رفاه اجتماعی از دوم تا ششم سپتامبر سال ۱۹۹۷ در جاکارتای اندونزی برگزار کرد، ارائه شده است.

۲. کفایت تدارک اجتماعی (Adequacy of Social Provision) اشاره به تغییر ظرفیت دولت‌ها برای ارائه نیازهای اساسی اجتماعی و مادی به جمعیتی که در یک کشور زندگی می‌کنند، دارد، یعنی غذا، پوشاک، سرپناه، و دسترسی به حداقل خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی (استس، ۱۹۸۴).

۳. عوامل و فرمول‌های زیر به عنوان وزن‌های آماری در محاسبه شاخص ترکیبی WISP برای تک تک کشورها مورد استفاده قرار گرفته است:

$$WISP95 = \{[(\text{عامل } ۱) * 0.697] + [(\text{عامل } ۲) * 0.163] + [(\text{عامل } ۳) * 0.140]\}$$

که در رابطه فوق:

$$+ [0.92 * (\text{رفاه})] + [0.91 * (\text{آموزش و پرورش})] + [0.93 * (\text{بهداشت و درمان})] = \text{عامل } (۱)$$

$$+ [0.64 * (\text{تنوع})] + [0.71 * (\text{اقتصاد})] + [0.84 * (\text{سیاسی})] + [0.91 * (\text{زن})]$$

$$= [0.93 * (\text{فعالیت‌های دفاعی})] = \text{عامل } (۲)$$

$$= [0.98 * (\text{اوضاع جغرافیایی})] = \text{عامل } (۳)$$



- AMNESTY INTERNATIONAL  
1997 *Country Reports* (series). London: Amnesty International.
- BEVERLY, Sondra G. and Michael SHERRADEN  
1997 Investment in human development as a social development strategy. *Social Development Issues* 19 (1), 1-18.
- BRANDT COMMISSION  
1980 *North-South: A Programme For Survival*. London: Pan Books.
- BROGAN, Patrick  
1990 *The Fighting Never Stopped*. New York: Vintage Press.
- BOUCHER, Jerry et al.  
1987 *Ethnic Conflict: International Perspectives*. Newbury Park CA: Sage Publications.
- ESTES, Richard J.  
1984 *The Social Progress of Nations*. New York: Praeger.
- ESTES, Richard J.  
1988 *Trends in World Social Development*. New York: Praeger.
- ESTES, Richard J.  
1993 Toward sustainable development: from theory to praxis. *Social Development Issues* 15 (3), 1-29.
- ESTES, Richard J.  
1995 Social development trends in Africa. *Social Development Issues* 17 (4), 18-47.
- ESTES, Richard J.  
1996a Social development trends in Asia. *Social Indicators Research* 37 (2), 119-148.
- ESTES, Richard J.  
1996b Social development trends in Central and South America. *Social Development Issues* 18 (1), 25-52.
- ESTES, Richard J.  
1997 Trends in European social development: development prospects for the new Europe. *Social Indicators Research* 42, 1-19.
- FREEDOM HOUSE  
1997 *Freedom in the World, 1996-1997*. New York: Freedom House.
- UNITED NATIONS CHILDREN'S FUND (UNICEF)  
1997 *The State of the World's Children, 1997*. New York: Oxford University Press.
- UNITED NATIONS DEPARTMENT OF PUBLIC INFORMATION (UN/DPI)  
1996 The geography of poverty [URL: <http://www.un.org/dpisd/csp/dpi1782e.htm>].
- UNITED NATIONS DEVELOPMENT PROGRAMME (UNDP)  
1997 *Human Development Report, 1997*. New York: Oxford University Press.
- UNITED NATIONS ECONOMIC AND SOCIAL COMMISSION FOR ASIA AND THE PACIFIC (UN/ESCAP)  
1997 *Report of the Fifth Asian and Pacific Ministerial Conference on Social Welfare and Social Development*. Bangkok: UN/ESCAP.
- UNITED NATIONS HIGH COMMISSIONER FOR REFUGEES (UNHCR)  
1995 *The State of the World's Refugees, 1995: In Search of Solutions*. New York: Oxford University Press.
- UNITED NATIONS  
1990 *World Declaration on the Survival, Protection, and Development of Children: The Plan of Action*. New York: United Nations.

UNITED STATES DEPARTMENT OF HEALTH AND HUMAN SERVICES (USDHHS)

1997 *Social Security Programs Throughout the World, 1997*. Washington: Social Security Administration.

U.S. DEPARTMENT OF STATE (USDOS)

1995 *The World Social Summit: The Copenhagen Declaration and Programme of Action*. Washington: U.S. Department of State.

WORLD BANK

1997 *World Development Report, 1997*. Washington: World Bank.

WORLD COMMISSION ON ENVIRONMENT AND DEVELOPMENT

1992 *Agenda 21: Plan of Action of the World Conference on Environment and Development*. New York: WCED.

WORLD RESOURCES INSTITUTE

1997 *World Resources, 1997-1998*. New York: Oxford University Press.